

توفان

ارگان سازمان پارسی‌نیتی توفان

سازمان توفان هست و میرزند

یکی از سازمانهای مادر ایران، «سازمان آرائی» پس از اطلاع از جریان بحران و انشعاب و «احیاء» حزب نامه زیر برای سازمان ما و همه رفقای سازمانی فرستاد مگر زیرمجموعه آن نهاد رت میشود.

رفقای عزیز سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان

بالاخره ما هم از طریق فتوکی ارگان «حزب» کمونیست کارگران در هفتان ایران؟! از احیاء حزب طبقه کارگر مطلع و باخبر شدیم ولی آنرا باور نکردیم.

چرا این «حزب» را باور نکردیم؟ جواب خیلی ساده است. مادر ما همان سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان پرورش یافته و با مسائل و فلسفه مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوستدین آشنا شدیم. ما در این سازمان مارکسیستی - لنینیستی آمیخته‌ایم که باید همه مسائل و سازمانهای در ایران بوجود آوریم و با شرکت در زندگی و مبارزات کارگران در هفتان ایران همه آنها را توسعه و هم تنگ و هماهنگ ساختن این همه سازمانها حزب راستین طبقه کارگران ایران را در عصر «احیاء» ما نمائیم.

اگر چنین است پس چرا ما که در ایران بعنوان یکی از سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی توفان در راه احیاء حزب طبقه کارگر ایران فعالیت میکنیم از طریق روزنامه «ارگان حزب» احیاء «حزب» با خبر شویم؟ آیا ما نباید از جریانات مربوط «احیاء» حزب آگاه میشدیم؟ نباید مسائل را با ما در میان میکردند؟ اصولاً نباید در این مرحله فعالیت سازمان شرکت مستقیم داشتیم؟ در واقع این مطالب باعث شد که ما این «حزب» را جدی تلقی نکنیم. بعلاوه از چندین پیش نوشته و شایعات دروغ و جعلی از طرف سازمان امنیت بیشتر پخش میشد و هنوز هم بیشتر و عمیق‌تر دلیل گروههای مبارز طبقه کارگر در مازان حیلهاست و شناختن آنها که با ما ساخته و هشدار میدادند که در این شرایط سیاسی موجود این شبهه بیشتر تقویت میشد کما اینکه اعلام حزب هم یکی از همان نوشته‌های ساواک را بر ما رساند. از شما میپرسیم که در محیط سیاسی موجود این شبهه بیشتر تقویت میشد کما اینکه تریبید میخواندیم. اما بهر حال باید موضوع را بهیچ وجه حقیقت را جویا میشدیم.

قیلاطی نامه‌ای که چندین خطیتر بودید به من هیچگونه توضیحی از اخراج رفیق از سازمان با خبر شدیم. و بعد فکر نمودند که بعد از اخراج این رفیق بطور کامل میان خود آمدند و ما در انتظار این خبر بودیم. ولی بجای خبر خوش اخراج رفیق سازمانی «روزنامه» توفان ارگان حزب را در شرایط نامناسب و غیر مترقبه دست ما رسانید و این ترتیب مسائل بغرنج و پیچیده تری را برای ما بوجود آورد. آیا این روزنامه منتیجه اخراج رفیق سازمانی بود آیا توسط ما بود؟ آیا این توسط طرف مخالفین سازمان ما میباشد؟ آیا پلیس در این مورد نقش دارد؟ آیا در روز سازمان جریان نا سالیو در زمین است؟ نمیدانستیم به هر جهت صد اکت و شرافت سازمانی ما اجازه نمیداد در مورد مسائل در روز سازمان رفقای سازمانی بد بین شویم. از طرفی هم نمیتوانستیم منتظر حوادث بنشینیم. باید کاری میکردیم اما چکار؟ با توجه به مسائلی که گفتیم رفقای ما معتقد بودند که ارتباط قبلی باید قطع شود و بهر ترتیبی شده باید با رفقای سازمانی از طریق مطبوعاتی و غیر مطبوعاتی تماس برقرار کرد. موازاً فعالیت امر آکادمی، متاسفانه باید گفت که ما را حجتی و تعجب ما پس از اطلاع از جریانات نا سالیو در روز سازمان نشناختن آنها که پیش نیافتد بلکه بعد از اعلام خود رسید زیرا با این واقعیت در تماس بودیم که ما از رفقای سابق از روز سازمان علمیه سازمان توسط مکرر موریای ما بودی آن از جمیع شیوه‌های مضایقه‌کنندگان.

رفقای عزیز سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان

ما معتقدیم که سازمان ما از دست و تاسیس خود مبارزه علیه امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی و ...

بقیه در صفحه ۲

مبارزه فوساینده

شاهجانی و خبیثتکار هیچ فرصتی را از دست نمیدهد برای آنکه سیاهکاریهایش در مان پهلوی را بشاید تمدن مات ببرد همین ماعرضه دارد. صد سالگی تولد رضاخان، این جانی خد متکذرا امپریالیسم شاه ایران را داشت که همی بر ما ماند از نوکران پست فطرت خود را از آیت الله العظمی خرمی تبریز گرفته تا نخست وزیر و روسای مجلسین و «حزب» رستاخیز زبان آورد که رستاخیز رضاخان و خبیثتکار پسرش را در سخن در هند و در باره تمدن بزرگ که ایران گویا بسوی آن روان است بتعلیقات بیورد ازند و این دست در زمانی که بیشتر مردم در تیرکس سلطه امپریالیسم بیزه امپریالیسم امپراتور و تمام نشین کشورها مشغول است، در زمانی که با بستگی همین ما به امپریالیسم بیشتر از هر موقع دیگری چشمپوشی و در زمانی که وضع کشور هر روز بیشتر به فقر و ورشکستگی میبرد.

در وقت بل آتش خشم مردم هر روز بیشتر با نمیکند و تار نشسته و در مان پهلوی و حامیان امپریالیستش را از بیخ و بن نسوزاند فروتنی بیرون تودهای مردمی به پیکاهای اقتصادی و سیاسی رژیم که در راههای اخیر رواج گرفته بلا انقطاع ادامه دارد. رژیم شاه رزیم فاسق و مفسد است و در همجوار در همه شهرها و از آنجمله و بیوزید رشتبرگها کوچک کند رانها قدرت مقابله رژیم اندک است.

بنظر میرسد که جنبش انقلابی ایران در مبارزه خود به مشکل نرسد از مبارزه پست یا فاسد است و شکلی که از اشکال پیشین به مراتب موزن تر و بزرگتر و عمیق تر و فوساینده تر است. گروههای با استغناء و از تار یکی شب و غافلگیرانه در دست در زمانی که انتظار آن

نیروی به موسسات اقتصادی و بیوزید با یکجا به شعب «حزب» رستاخیز نهاد ارات و ولتی هجوم میبرند. آنها را در هم میگویند و پس از انجام کارهای از رسیدن نیروهای امنیتی صحنه تارک میکنند. آماجهای حمله: بانکها و زیرساختها، بانکها عامل استعمار، ادرات و ولتی که در رستم به مردم دست کی از نیروهای انتظامی اند ازند و «حزب» رستاخیز این تکیه گاه سیاسی رژیم که در کثرت توسط طبقه خلقی است همه بد رستی انتخاب شده اند. چنانکه از نشانه امری آید از هم گویان در رگها بانکها اختلافاتی پیدا آمد و اعتبار آنها پشت دست سقوط کرد.

این شکل مبارزه در صورت تکیه بر تکامل یا بد و با هوشاری و در انافی صورت گیرد ثبات رژیم را بیشتر از پیش میلزاند و فعالیت اقتصاد و بد ستکار را بیشتر در هم میبرد و بیچ و پیوسته های رژیم را در گو توکار کشورش میکند و اینها همه بد بن شک در روند کار رژیم تا شریعتی باقی خواهد گذشت.

رژیم شاه در برابر این شکل جدید مبارزه فاعلان ماند: مواتوان است و در باره همان نغمه‌های کهنه که بیوزید اسد انماست کما استعما سیا موسخ گویا از حرکت ایران بسوی تمدن بزرگ خشنود نیستند و نمیتوانند بهیچند که ایران «جد و عظمت» در بین خود ریا فاعت است آنی بهیچند که در ایران کارگران از روزه و آسایش برخوردار اند اعمال همین استعمار سرخ و سیا گویا دست بد دست هم در او میوزخواهند از پیش ایران بسوی تمدن بزرگ جلوگیرند!

رژیم شاه با هم از زبان کارگران سخن میگردد و اجتماعات کارگر تشکیل میدهند که در آنها گویا کارگران آباد کی خود را برای پیکار با این اعمال استعمار امانی میزند. نوکران پست شاهینا چنانچه احیاء «حزب» رستاخیز طبقه اعلامیه‌های شکل گونی تیار نموده و با محکوم میکنند عاملین پست سازمان امنیت اینجا و آنجا کانهای کسب میشده و در دست غارت میدهند تا بعد. اما برای طبقه جنبش انقلابی برانگیزند اما بزرگ بقین فریب این مانورهای رژیم را نمیخورند.

تاوانی رژیم شاه در مبارزه با این شکل جدید مبارزه را از زبان پید است که دست بد امن «حزب» رستاخیزند موریای مقل بلبارز در لبریتا سبب گشته‌های اده اهل «دست در ما است» این گشته‌ها بد ریح در رشتبرهای مختلف و محلات مختلف بقیه در صفحه ۲

طبقه کارگر، رهبر شایسته انقلاب ایران

پیکار خروار جانی تا این حد غنی باشد.

جهان بینی طبقه کارگر انقلابی ترین و علمی ترین جهان بینی طبقاتی است. جهان بینی است که با تکمیل قوانین علمی و با شناخت واقعیت موجود جهت حرکت جامعه انسانی را بطور گری و هر کشور جدید آگاهانه بطور واضح نشان میدهد. این جهت تکامل محصول تفکر انتزاعی نیست، شمره عمل قوانین عینی است و بنا بر این ضروری و ناگزیر است و ما هیچ نیروی نمیتواند در برابر آن تنه و علیه باشد زیرا جاد ترد و یا آنرا مخرف کرد انید و بسوی دیگر کشانید.

جهان بینی طبقه کارگر علمی است زیرا بیان حقایق ختم است و صحت آنرا تکامل جامعه انسانی گزینی هر روز بیشتر با ثبات میرساند. جهان بینی طبقه کارگر بریند ر حال حاضر تریکی از روزه‌های مهندسیا تریه طبقاتی است. در شفتان طبقه کارگر با استغناء از خود است و در همه آن در انشیر و لولتا ریا راهی در گرفتارند. آنها بازرگین را تکرار کشند و مارکسیسم را مد فون ساختند. از زمانی که تا نیکیست کمونیست یا بحر وجود نهاد بارها و بارها مخالفان و دشمنان مارکس و تار کشیم او و اندیشه و لایش را بخاک سپرد ما اند. اکنون نیز «لا سفا» خند بد بویزه در تریه نیای امپریالیسم به تکرار آن بر اختلافند. مارکسیست ها همی نیز در زیر لفاظیه فاع از مارکسیسم و با انطباقی مارکسیسم بر شرایط امروز ما اصول مارکسیسم را رها کردند. این کار را خروش و و شرکند آغاز کردند و اکنون روزی نیست های اروپا آخرین بقایای آنرا بد و روزی نیست اما ای آسیانیا حتی تصمید اند اصطلاح لنینیسم را کماریسیسم در روان گونی است از انا سنا هه خود حدی در گنند.

هموز با هم و سر رگمی ناشی از روزی نیستیم بد رن با یان نیافته بود کتوغ و دیگری از روزی نیستیم تحت عنوان مشوری سند تیا که آنرا بعینت بهما توشند و نسبت بندند سراسر جنبش مارکسیسم لنینیست را از گرفتارند و نشسته فکری و تفرقه سازمانی را در رن در اردن کارگری عمیق تر کرد و بد و اندیشه وسیعتری بخشید. مشوری سند تیا خرو تازهای است که در مکر جنبش مارکسیست - لنینیست فرود آمد و و آنرا بندهات تصمید کرد ما است.

طبقه کارگر ایران آنچه در بریا بعرضه وجود نهاد ولی خیلی زود در عصر مبارزه طبقاتی کام گذشت و خیلی زود در سازمانهای صنفی و حجتی سیاسی خود متشکل گردید. در مسائل مبارزه اقتصادی و سیاسی واید ثلوزیک به طبقه کارگر ایران آنچنان شخصیتی اجتماعی بخشید است که حتی در شفتان روزی نیز نمیتوان آنرا نادیده نگذاشت. و بحسب تیار زنده اما اگر طبقه حاکم از مغز زانها طبقه کارگر روی نسیر اند و اینکارها همینها بخاطر آنها میدهند که این طبقه را بد تبال منافق طبقاتی خود بد کشاند و در عین حال از سر کوب مبارزه و تگشتن بیره خانه این طبقه، آنجا که ما فاع امپریالیست ها در معرض مخاطره ای وقت بدیمی بخود را منمید. مد و شتی طبقه حاکم جدید رگد شتو جعد ر حال حاضر نیز و آنست که طبقه کارگر غلظت شرت و خصلت خود منادی و انقراض طبقات استعمار کر و موشتر نظام نوینی است که آنرا بجای برای استعمار و رستم ملی و طبقاتی نیست.

در کشور ما که دوران انقلاب ملی بد موزا تیکار میگردد و طبقه کارگر و طبقه تاپایان انقلابی و پیش از هر طبقه بد یگر علا قسند است که این انقلاب تاپایان انجا پنهان بود. منافق طبقه کارگر با بیاب میکنند بقایای شیوه تولید فاع الی و امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم هم امپریالیسم است - یعنی در عالمی که جلوی رشد نیروهای مولد را می از پیش و بر رواند و بهینه جامعه معزای رشد نیروهای مولد کشود مشو رشد سریع بد و وقت نیروهای مولد در جهت آرمانهای ولای طبقه کارگر است. آرمانهای که منافق همه زحمتکشان جامعند را انطباق کامل است. از اینرو است که طبقه کارگر در جریان انقلاب هرگز با شتو و مصالحه با دشمنان خلق و بنایروهاش کند زیرا مورا ما انقلاب میمانند تین در تمید هه.

مبارزه طبقاتی طولانی طبقه کارگر در روزه های اقتصاد و سیاسی واید ثلوزیک و در شرایط گوناگون بد شوار و توسل ناگزیر با شتو مختلف مبارزه در شرایط مغزی و طنی نمیعطنی و تجاری غنی کارزاین مبارزات بد دست آورد و طبقه کارگر ایران را از مود موبد بد مکر ما است هیچ طبقه ای را در ایران نمیتوان یافت که از ای گذشتن تا این در رجه

دروود به خلق های رزمنده میهن ما!

سازمان توقان ... بقیه از صفحه ۱

مبارزه علیه رژیم فاشیستی را با ایمان راسخ دنبال میکند و راهیای حزب طبقه کارگر ایران در روزه ایران فعالیت مینماید ... ما معتقدیم که در حال حاضر ما رکیست ... فعالیت مینمایند ... این اعمال حزبین باعث تشتت فکری در محیط ایران میگردد ...

ما در حالیکه رفتارند ما را جبراجروکار نیست و محکوم میکنیم و بر طبق ویرفتی که در این راه مستفات و مشکلات فراوان را با سوا فروتنی خاص متحمل شده و بر اساس جهان بینی مارکسیسم ...

سیاسی بی پایان بیفروستیم ... ما معتقدیم که رفتار حزبین بهرحال لطامتی را با سازمان وارد ساختناست ...

ما مطمئن هستیم که بسیاری از رفقای سازمان که در ایران فعالیت میکنند هنوز مسائل درون سازمان بیخبری باشند ... ما از رفقای مبارز سازمان را بر این میخوانیم با موع کبری صحیح خود نقاب از چهره گریم حزبین برداشته و اجازتند همدیگر را ...

شاید با توجه به شرایط مخفی کاری در ایران از آنها سو استفاده کرد و در خود ساختگی این رفتار معرفی نمایند ... ما یکبار دیگر ایمان خود را با رفیق با تجربه و سازمان مارکسیستی ...

بیش از پیش در پیشبرد اهداف و آرمانهای سازمان در ایران بگوئیم و تأیید و نهائی آنرا مینماییم ... ما قول میدیم با فعالیت بیشتر و شرکت همه جانبه تر در زندگی طبقات زحمتکش ایران پیوسته احیای حزب و فعالیت طبقه کارگر ایران را در عرصه ایران تسریع نماییم ...

با ایمان بیشتر و صرف فشرده تر بر اوضاع خود ادامه دهیم.

یاد رون های کونیستی در ست هفت شش و هفتا نیم زند نیاد سازمان مارکسیستی ...

سازمان ارانسی

احزاب رونیونستی ... بقیه از صفحه ۳

این تئوریهای رونیونست کوشش میکنند تا بولوتاریا را از انقلاب قهر آمیز کفنها را مصلحتن برای پیروزی مینماید تا ز راه کفولتاریا را به دست آورد ... سیاسی هدایت خواهد کرد ...

اجتماعی خامخوار هدایت ... احزاب رونیونستی که در وقت هستند بطور مطلق در رسیدن خدایات بقا رکیسیم ... لنینیسم ...

برولوتاریای جهان آزاد و استقلال خلق ها گام برمی آرد ... ولی مذبحخانه تلاش میکنند تا ما را کفولتاریستی خود را حفظ کنند ... حزب رونیونستی شوروی برای شورویها ...

این حزب رونیونستی شوروی بود که از زراد خانه رونیونستهای پرشتین تغذیه ... با صدای بلند میگوید ههای که از مسالمت آمیز را خنثی و راه پارلمانتاریسم ...

نقل از آلبانی امروز شماره (۱۹۷۷)

طبقه کارگر ... بقیه از صفحه ۱

مبارزه با کونیسم و کونیست ها در کشور ما اکنون نقشه ارتقا رژیم شاه این آلت دست امیرالیسم امریکا بلکه زجان سازمانها مذ هب ارتجاعی یا شدت دنبال میشود ...

این مبارزات طبقات و قشرهای ارتجاعی خود نشانه آیتست که مارکسیسم زند با ست و همواره تود ههای زحمتکش بیشتری به گرد آن حلیقمینند ...

رخنه میکنیم ... میخان مارکسیسم بار دیگر وتلاش اند بار دیگر ستار و ام فر گشته ویا کفولتاریسم کونیست ها ... این عناصر کارگروایما طبقه کارگروا رکیسیم را براندازند ...

رانهای پوشانند آن ونهیا نا بوی پیروان آن نمیتوان بنا بود کرد بیایب کالیله را پایتندید ... حقیقت کروی بودن زمین همچنان باقی ماند ...

است که نمیتوان از هر دوران جلوه گرفتن حقیقت را آنچنان کفمانی است کاتر ایام هیچ بره ای نمیتوان پوشانید و جهان بینی طبقه کارگر حقیقت خصال انقلابی طبقه کارگر جهت تکامل و جهان بینی آن است ...

طبقه کارگر و جمع طبقات انقلابی متاوتوا بسته سرگرد کی انقلاب سیکر اما اجز سرگرد کی انقلاب بد و حزب سیاسی طبقه کارگر ایمان ...

یذ رینیست بد بری است که بر اثر رونیونونسیسم و در جنبش کونیستی جهانی طبقه کارگر ایران حزب سیاسی خود را از دست داده است ...

توجه ها ... بقیه از صفحه ۱ ... به بهترین وجه ...

بامیرالیسم و سوسیالیسم امیرالیسم خدایت میکنند ...

از آنها باشند ... این تئوریها انقلابی مینماید ...

اتحاد با این نیروها قرار دهند ... این تئوریها انقلابی مینماید ...

این تئوریها مسئله ایست که توضیح میدهد ... این تئوریها انقلابی مینماید ...

این تئوریها مسئله ایست که توضیح میدهد ... این تئوریها انقلابی مینماید ...

این تئوریها مسئله ایست که توضیح میدهد ... این تئوریها انقلابی مینماید ...

این تئوریها مسئله ایست که توضیح میدهد ... این تئوریها انقلابی مینماید ...

این تئوریها مسئله ایست که توضیح میدهد ... این تئوریها انقلابی مینماید ...

این تئوریها مسئله ایست که توضیح میدهد ... این تئوریها انقلابی مینماید ...

این تئوریها مسئله ایست که توضیح میدهد ... این تئوریها انقلابی مینماید ...

این تئوریها مسئله ایست که توضیح میدهد ... این تئوریها انقلابی مینماید ...

این تئوریها مسئله ایست که توضیح میدهد ... این تئوریها انقلابی مینماید ...

این تئوریها مسئله ایست که توضیح میدهد ... این تئوریها انقلابی مینماید ...

این تئوریها مسئله ایست که توضیح میدهد ... این تئوریها انقلابی مینماید ...

این تئوریها مسئله ایست که توضیح میدهد ... این تئوریها انقلابی مینماید ...

توده‌ها و «تنوری سه دنیا»

مارکسیسم می آموزد که توده‌ها سازندگان تاریخ اند. آنها نیروی محرکه پیشرفت جامعه بشری، خالق گهیه نعمهای روزگارند. آنها معنوی و موجدین گهیه تحولات و تغییرات اجتماعند. دانش و تکنولوژی را آوردند. تجربه عملی توده‌ها و فرهنگ و هنر محصول زندگی و مبارزات آنها است. بدون مبارزه توده‌ها برای تولید، جامعه‌ای نمی‌تواند یا بحرهای بی‌پایانند. چه در گذشته و چه در آینده. این حکم کلی است. اما در هر جامعه، مبارزات و تاریخ آن، در نظر منظره‌های تاریخی و حقیقی است که با ساس علمای مارکسیسم روشن شده و نهاده‌ها که در واقع معنای توده‌ها را در نظر مارکسیسم نیست که در بیان است.

بزرگان مارکسیسم و پیروان فکری مائوتسده و نوازها از اهمیت نقش توده‌ها و خلق‌ها در مسیر تاریخی سخن گفته و آموزش‌ها را کرانیهایی برجای گذاشته‌اند. در واقع مائوتسده و نوازها می‌آموزد: توده‌ها نیروی خلاقه عظیمی در خود دارند. «توده‌ها نیستند، توده‌ها ایمان در اشتغال نیستند». توده‌ها هر چه در زمانه واقعی هستند، «انقلاب خلق‌ها را در حرکت در آورند. در تاریخ» برپا می‌شود. توده‌ها می‌گویند: «خلق‌ها فقط خلق‌های نیروی محرکه تاریخند». این حقایق مانند آفتاب نیروی روشن و شگفتی اند.

اما آژوندگان شوروی سده نیا، مظهر دیگری از توده‌ها و نظریه دیگری را تبلیغ می‌کنند. آنها نقش خلق‌ها را در حرکت در آورند. در تاریخ با نقش کشورهای متمدن کرد. بوم‌ها معتقدند: کشورهای وسیع و در حال رشد... نیروی محرکه انقلابی هستند که در تاریخ جهان را به پیش می‌رانند. در میان نظریه اشتغال مارکسیسم و نظریه مائوتسده و نوازها، نیروی توده‌ها را تشکیل می‌دهد (نظریه نیا شوروی). آوریل ۱۹۷۰) در جهانی دیگران مسئله‌ای صورت آورد می‌شود که: امروز کشورهای ملل و خلق‌های جهان سوم نیروی توده‌ها را در اتحاد بر علیه ابرقدرت‌های امپریالیستی، در مبارزه بر علیه کولونیالیسم، امپریالیستی و تروریستی هستند. «بیانه گهیه حزب کمونیست آلمان (KPD) نوامبر ۱۹۷۰) و در حالی دیگر کشورهای جهان سوم نیروی توده‌ها را در انقلاب و تشکیل می‌دهد. «حزب کمونیست نروژ» (۷۸) تاجیر و توفانی قابل رویت است. در زمانه این موعود که در تاریخ در آورده‌اند. در تاریخ نروژ، تاریخ سازنده‌ها و هم‌پیمانان در این آژوندگان کرانیهایی است که «خلق‌ها و فقط خلق‌های نیروی محرکه تاریخ» اند. اگر توده‌ها و نقش عظیم آنها را در تغییر جهان و تکامل تاریخ معاصر می‌دانیم، در آن زمان بزرگان مارکسیسم اشتغال کرده‌اند و در شوروی سده نیا جای خود را از دست داده‌اند. توده‌ها هیچ‌یک را در دست ندارند. توده‌ها در تاریخ خلق‌ها و توده‌ها را در تحلیل طبقاتی برمی‌خیزد. مبارزه طبقاتی را به حلقه گهیه و در نظر نمی‌گیرد. در زمانه آشکارا منافع خلق‌ها و ضد-مارکسیست است.

حکومتیالیست جواد در تاریخ و واقعیت‌ها را به بی‌شمار بارها در جهان انتقام می‌آیند و بر انتقام‌های بی‌پایه هستند تحلیل کرده‌اند. نیس به این عنوان اینکه توده‌ها هیچ‌یک را در دست ندارند. در تاریخ نروژ، تاریخ سازنده‌ها و هم‌پیمانان در این آژوندگان کرانیهایی است که «خلق‌ها و فقط خلق‌های نیروی محرکه تاریخ» اند. اگر توده‌ها و نقش عظیم آنها را در تغییر جهان و تکامل تاریخ معاصر می‌دانیم، در آن زمان بزرگان مارکسیسم اشتغال کرده‌اند و در شوروی سده نیا جای خود را از دست داده‌اند. توده‌ها هیچ‌یک را در دست ندارند. توده‌ها در تاریخ خلق‌ها و توده‌ها را در تحلیل طبقاتی برمی‌خیزد. مبارزه طبقاتی را به حلقه گهیه و در نظر نمی‌گیرد. در زمانه آشکارا منافع خلق‌ها و ضد-مارکسیست است.

توصیه و از آن حلقه‌ها با کشورهای غربی از جانب شوروی سده نیا، سه در «توده‌ها» صورت گرفته‌است. امری که نیست. آنچه آنها تحت لوای «مبارزه کشورهای جهان سوم» بر علیه امپریالیسم و استعمار هستند در واقع امر است. از آن طبقاتی است که در کشورهای جهان سوم، در قدرت نیستند. با هزاران توده‌ها امپریالیسم و استعمار هستند. و با خطر اهمیت عمیقاً اجتماعی و خلقی خود، جنبش‌ها را به حرکت در آورده‌اند. «نیروی محرکه تاریخ» هستند. بلکه برعکس، نیروی ضد انقلاب و نیروی بازدارنده و مانع تاریخند. آنها نیروی انقلابی و خلق‌های توده‌ها را در حرکت در آورده‌اند. مبارزه بر علیه امپریالیسم و استعمار، نیروی در واقع است. این جنبش‌ها در واقع به حلقه‌های توده‌ها و هم‌پیمانان در این آژوندگان کرانیهایی است که «خلق‌ها و فقط خلق‌های نیروی محرکه تاریخ» اند. اگر توده‌ها و نقش عظیم آنها را در تغییر جهان و تکامل تاریخ معاصر می‌دانیم، در آن زمان بزرگان مارکسیسم اشتغال کرده‌اند و در شوروی سده نیا جای خود را از دست داده‌اند. توده‌ها هیچ‌یک را در دست ندارند. توده‌ها در تاریخ خلق‌ها و توده‌ها را در تحلیل طبقاتی برمی‌خیزد. مبارزه طبقاتی را به حلقه گهیه و در نظر نمی‌گیرد. در زمانه آشکارا منافع خلق‌ها و ضد-مارکسیست است.

آتش سرخ مقاومت در معادن آمریکا

در چند ماه گذشته، مبارزات کارگران آمریکایی از توفان مبارزات خود را با شرکت ۸۸۰۰۰ کارگر در رشته صنایع معدنی در منطقه غرب آمریکا، اعتبار ۱۰۰ روز، کارگران معدنی در صنایع نفتی در ۸۸ سال تاریخ اتحادیه کارگران معدنی آمریکا «تولانی ترین» در تاریخ مبارزات معدنی در جهان می‌باشد. بیرونی‌ها را در این مبارزات سترگ قاطعیت و جسارتی در برخورد و بی‌پایان با خود بروردند.

کارگران معدنی که برای حق اعتصاب احیا، بیمه‌های بهداشتی افزایش، دست‌های مبارزه‌ایند، آموزش‌های گران‌بهای در رانینگ، سستی سرمایه‌داری از دولت و بورژوازی انحصاری کسب‌نمودند. آنها چهره‌ها در شان طبقاتی خود را از رهبری اتحادیه‌ها به دست آوردند. بورژوازی و از نقش ارتش این آلت سرکوب بیرونی‌ها را در دولت مستحکم آمریکا مشخص‌تر و بیشتر ریافتند. کارگران معدنی در مختلف ما شنبه‌ها حمل و نقل زغال سنگ را از معدنی که در اعتصاب شرکت داشتند و از پلهای مربوط به معدنی را با آتش کشیدند. در برخی از مناطق حتی مسلحانه زخمی‌ها را از معدنی جلوگیری نمودند. در این مبارزات در رخشان سه کارگر جان خود را از دست دادند.

امپریالیسم آمریکا امروزه در بحران بی‌سابقه‌ای می‌رسد. بحران اقتصادی اساسی انحصارات امپریالیستی را مورد تهدید قرار داده و در عرصه آمریکا، تضاد بورژوازی با بیرونی‌ها را صورت‌توانی است. امپریالیسم آمریکا و انحصارات و آل استریت که امروزه می‌کشد و انجام می‌دهد، در جنگ جهانی خانمانسوزی را با دولت امپریالیستی شوروی می‌بیند. امروزه طبقه کارگران آمریکا را در زیر فشار شکن خود بیشتر خرد می‌نمایند. بحران اقتصادی گهیه امپریالیسم امروزه آمریکا چون کزن باد می‌تواند تمامی سیستم‌ها را در بر گرفته و در تاریخ حیات امپریالیسم آمریکا بی‌سابقه‌است.

کارگران معدنی در آمریکا امروزه در بحران بی‌سابقه‌ای می‌رسد. بحران اقتصادی اساسی انحصارات امپریالیستی را مورد تهدید قرار داده و در عرصه آمریکا، تضاد بورژوازی با بیرونی‌ها را صورت‌توانی است. امپریالیسم آمریکا و انحصارات و آل استریت که امروزه می‌کشد و انجام می‌دهد، در جنگ جهانی خانمانسوزی را با دولت امپریالیستی شوروی می‌بیند. امروزه طبقه کارگران آمریکا را در زیر فشار شکن خود بیشتر خرد می‌نمایند. بحران اقتصادی گهیه امپریالیسم امروزه آمریکا چون کزن باد می‌تواند تمامی سیستم‌ها را در بر گرفته و در تاریخ حیات امپریالیسم آمریکا بی‌سابقه‌است.

نالدانی و ندانم‌کاری

باز هم «حزب خلق»!

اکنون در بیروشن است که «حزب» جدید، مولاد و حزب طبقه کارگر نیست. «حزب خلق» است. چون حزب توده‌ها در ارد و خلقی مرکب از طبقات و قشر گوناگون است از اینجهت «حزب خلق» حزب طبقه کارگر نیست. رئیس «ار» خارجی «در واقع چیزی را آفریده که «حالت ضد امپریالیستی» در اشتباه است. همان چیزی که از طرف «توفان» و «ار» اعلام در اشتباه است. اینک چنین بود!

در شماره ۱۲۴ ما هنامه «توفان» ما به این مردمان که در اردیم که حزب خلق از اختراعات رونی نیست های شوروی است وجود خارجی ندانیم و نمی‌تواند در اشتباه است. ما نشان دادیم که چگونه این مردمان در اردیم که حزب کمونیست شیلی در دست برد «پیشاهنگ بیرونی‌ها» را که دست است به «پیشاهنگ خلق» تبدیل کرد. ما ندانیم.

اگر در اینجا اشتباهی رخ داده بود، سرداران «حزب» میبایست آنرا اصلاح میکردند و از تکرار اشتباه خود در اری می‌جستند. اما افسوس! در شماره ۱۲۵ «توفان» در نشریه «توفان» باز همان اشتباه صورت پذیرفته‌است: «کسب‌نمودن و تعیین مبارزات خلق‌ها در جهت رهبری تنها ستاد «پیشاهنگ»... این اعتراف می‌کند که حزب کمونیست شیلی در دست برد «پیشاهنگ بیرونی‌ها» را که دست است به «پیشاهنگ خلق» تبدیل کرد. ما ندانیم.

در همین شماره در حالی که یکچنین آمده‌است: «خلق‌ها در بیرونی‌ها مبارزه خود بر علیه ارتجاع سرمایه‌داری و امپریالیسم (البت منظور پیام‌هاست) است چون این شماره تاریخ فروردین است»

بمیزگرین پیروزی خلق یعنی احیا «حزب پیشاهنگ طبقه کارگر ایران» دست یافته‌است. اگر این مردمان فریبکارتر و تکیست‌ها همه‌استان نشده‌باشند و هنوز مانند سازمان توفان در مرحله گهیه انقلاب به وجود بورژوازی ملو در ترکیب خلق معتقد باشند، آنگاه نتیجه عجیب حاصل می‌آید که بورژوازی ملی ایران ظرف سال گذشته بهترین پیروزی خود یعنی احیا «حزب طبقه کارگر» دست یافته‌است. احیا «حزب طبقه کارگر» بهترین پیروزی بورژوازی ملی!؟ واقعا که مارکسیسم - لنینیسم از سروروی رئیس‌ار» خارجی و کارشناسان داخلی و خارجی آن تشکیک!

اینها نکات کوچک و کم اهمیت نیست که بتوان به سهولت از روی آنها گذشت. این نکات هر گاه ناقص و نافی مفهوم مارکسیستی طبقه‌مبارزه طبقاتی است.

همه عوامل امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم

در شماره ۱۲۵ «توفان» در نشریه «توفان» در نشریه «توفان» باز همان اشتباه صورت پذیرفته‌است: «کسب‌نمودن و تعیین مبارزات خلق‌ها در جهت رهبری تنها ستاد «پیشاهنگ»... این اعتراف می‌کند که حزب کمونیست شیلی در دست برد «پیشاهنگ بیرونی‌ها» را که دست است به «پیشاهنگ خلق» تبدیل کرد. ما ندانیم.

همه امکانات خود را در خدمت احیا «حزب طبقه کارگر» بگذاریم!